

گفت و گوی صبا با عوامل نمایش زاغ

انسان بازیچه جدالی ازلی

مريم عظيمي
گفت و گو

اجراهای نمایش زاغ به نویسندگی و کارگردانی میثم مظفری از ۳۰ مرداد در تماشاخانه ملک آغاز شده و تا ۲۱ شهریور ادامه دارد. این نمایش با نگاهی فلسفی مفاهیمی جهان شمول را به چالش می کشد و باطنزی گروتسک به جهان اثر می نگرند. خبرنگار صبا با کارگردان و تعدادی از بازیگران این نمایش گپ و گفتی داشته که در ادامه می خوانید.

میثم مظفری:

خود سانسوری بزرگترین ضربه به هنر است

به عنوان نویسنده چرا ترجیح دادید که فضایی غیر ایرانی را برای نوشتن نمایشنامه خود انتخاب کنید؟

اولین دلیلش این است که در لحظه اول شنیدن اسم ایرانی شاید مخاطب را از فضای ایزورد بیرون بیاورد و دلیل دوم هم این که ما خیلی تاکید داشتیم تا بی زمان و مکان بودن اثر حفظ شود و هر اسم ایرانی می توانست شمارا ناخوآگاه به یاد بره های از زمان بیاندازد اگر نام های امروزی انتخاب می کردیم کار متعلق به زمان معاصر می شد و اگر اسم های متعلق به نسل قبل تر انتخاب مان می بود زمان کار به دوره دیگری گره می خورد. مورد سوم هم اینست که ما یکسری المان هایی در کار داریم مانند استفاده از جنگ ها و نزدیکترین محتوای تصویری ما هم مربوط به جنگ ایران و عراق است که خب یکسری ذهنیت ها می سازد و رفتن به سمت فضای جنگ هم حائل هایی دارد که همه این ها ما را ترغیب کرد تا فضای کار را به خارج از فضای ایران ببریم.

ایده اولیه نمایشنامه چگونه شکل گرفت؟

تنها حیوانی که در زندگی ام با آن مشکل داشتم کلاغ بود و روزی در کتابخانه ملی نشسته بودم و خورده های آجیل بازمانده از عید را روی زمین می ریختم و کلاغ ها می خوردند و در هر بار سه من نزدیک تر می شدند. در آن لحظه دیدم که این کلاغی که من همیشه نسبت به آن امتناع داشتم یک وجه جذابی دارد و صرفاً یک کاراکتر سیاه نیست. برای همین سراغ زاغ رفتم که ترکیبی از سیاهی و سفیدی است و کل حرف کار ما هم اینست که سیاه و سفید مطلق وجود ندارد. این کانسپت اصلی نوشتن من بود و در کل نمایش هم تلاش کردیم این مفهوم را برسانیم.

آیا نمایشنامه و در نهایت نمایش از ایده اولیه شما فراتر رفته است؟

روزی آقای محمد چرمشیر که استاد من هستند چنین جمله ای گفتند که هر آن چیزی که شما در عرصه تئاتر تولید

می کنید حاصل زیست شماست و این زیست شما به مرور به شما اندوخته هایی می دهد که هر چه این زیست را گسترده تر کنید این اندوخته ها هم بیشتر می شوند. در روند نوشتن این نمایشنامه هم یکسری اتفاقات در دنیا، کشورمان و جامعه انسانی دیده ایم که طبیعتاً روی متن تاثیر گذاشت و سعی کردیم آنها را به مخاطب ارائه دهیم.

آیا می توانیم سبک اجرای اثر را چند رسانه ای بنامیم؟

بله چرا که نه، هر چند که من خیلی با این اسم گذاری ها موافق نیستم. اگر از من بپرسند که سبک این نمایش چیست نمی توانم بگویم ایزورد، گروتسک یا رئالیسم جادویی و... است. شاید نزدیکترین سبک به آن همان ایزورد باشد ما از قابلیت های چند رسانه ای برای انتقال مفهوم اثر استفاده کردیم و حال اگر می توان این اجرا را چند رسانه ای نامید مشکلی نیست.

تمرینات این نمایش از چه زمانی آغاز شد و چه مدت طول کشید؟

پایان نگارش متن آخر اردیبهشت ماه بود و ما از اوایل خرداد تمرینات را آغاز کردیم و تا اواخر مرداد که اجرا شروع شد درگیر تمرینات بودیم

اجرای این نمایش در تماشاخانه ملک چگونه بود و نوع همکاری مسئولان سالن با گروه شما به چه شکل بود؟

خوب بود خدا رو شکر. تماشاخانه ملک جزو آن سالن هایی است که خیلی نگاه کاسبکارانه ای به مقوله تئاتر ندارند یا حداقل در مورد گروه ما اینگونه بود. تجربه ما در برخی سالن ها اینگونه بود که قبل از اینکه متن به ارزش یاد برود باید قرارداد ببندی ولی اینجا قرارداد ما به زمان بعد از بازیابی موکول شد که این مسئله بار روانی بسیار سنگینی را از روی دوش کارگردان برمی دارد چون اگر قرارداد ببندد مسلماً ملزم به پرداخت مبلغی خواهد بود در صورتی که هنوز معلوم نیست اثرش به اجرا می رسد یا نه. با توجه به اینکه ممیزی های مختلف کار را برای هنرمندان تئاتر سخت کرده امیدواریم که سالن داران همکاری بیشتری با گروه ها داشته باشند تا سالن و قرارداد به بار افزوده ای بر دوش گروه ها تبدیل نشود.

وجود مبحثی به نام شورای نظارت چه تاثیری بروی

